

## نگرشی به کتاب «میرزای شیرازی»

### ترجمه «هدیه الرازی»

رضا مختاری

«هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی» یا «هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی» نام اثری است که علامه متع، مرحوم شیخ آقا بزرگ نهرانی صاحب «الذریعه» در گذشته سال ۱۳۸۹ هـ ق در شرح احوال و آثار مرجع بزرگ، و مبارز و درگیر، مرحوم آیت الله العظمی حاج میرزا محمد حسن شیرازی، معروف به میرزای بزرگ و میرزای اول رهبر جنبش تنباکو (متوفای ۱۳۱۲ هـ ق) و شته‌ای از شرح احوال بیش از ۳۵۰ از شاگردان و اصحاب و نزدیکان او نگاشته است.

شیخ آقا بزرگ، علت نگارش این کتاب را، در سرآغاز آن، چنین، شرح می‌دهد:

«... در خلال پنج سالی که از آغاز دوره بلوغ، افتخار تقلید از این مرجع بزرگ را داشتم، همیشه در پی فرصتی بودم تا سیاسگزار نعمت‌های این پیشوا باشم. ادای این سپاس را جز در این نمی‌دیدم که آستان و مقدس را بوسم و خاک قدمش را بر دیدگان بنهم، ولی افسوس که توفیق نصیب نگشت و ناگهان فریادگر مرگ، حضرتش را فراخواند و مسلمین را در سوگ نشاند، از آن پس امیدم به یأس مبدل شد؛ تا اینکه یک سال بعد از وفات میرزای بزرگ، خداوند به من توفیق تشریف به عتبات عالیات را عطا فرمود. تا زمانی که در نجف اشرف بودم، تربت شریف میرزا را زیارت می‌کردم و بدین وسیله روان خویش را تا حدی آرامش می‌بخشیدم، ولی زخم دل در درون پنهان بود. در خلال این مدت، گهگاه به سامرا مشرف می‌شدم و در مشاهده آتفه حضور می‌یافتم و محرومیت خویش از درک ایام میرزا را به یاد می‌آوردم و اشک از دیدگانم جاری می‌شد.

تا اینکه بر اثر استغاثه از آتفه اظهار «علیهم السلام» و به خصوص حضرت بقیة الله الاعظم «عج» در اواخر سال ۱۳۲۹ هـ ق، هجرت به سامرا میسر گشت و همراه خانواده بدانجا

شناختم. در مدت اقامت خود در سامراء، عده‌ای از افراد مورد اعتمادی را که سالهای حیات میرزا را درک کرده بودند یافتیم و با استفاده از برکات وجود آنها بر میزبان آگاهی خود، نسبت به میرزا افزودم. پس از آن چنین اندیشیدم که با قلم ناتوان خود، به نگارش این جزوه ناچیز دست بزنم تا هم یادی از گذشتگان باشد و هم وسیله شناختی برای آیندگان. از سوی دیگر، چون دیدم که بسیاری از اساتیدم از برترین شاگردان و بنبره روان از انقاس پر برکت میرزا بوده‌اند، بر خود واجب دانستم نام و یادشان را زنده نگهداشته و فضل و مناقشان را آشکار سازم.»

\*\*\*

این کتاب به زبان عربی و برای ناآشنایان بدان زبان، غیرقابل استفاده بود، تا اینکه ترجمه فارسی آن، با نام «میرزای شیرازی» به صورت زیبا و مطلوبی، همراه با ملحقات و اضافاتی بر اصل کتاب، توسط وزارت ارشاد اسلامی، دو سال پیش (۱۳۶۲) چاپ و منتشر شد، و از این رهگذر خدمتی قابل تقدیر نسبت به میرزا و شیخ آقا بزرگ و تاریخ و فرهنگ تشیع انجام شد. من همین جا، از همه کسانی که در ترجمه و چاپ و نشر این کتاب، متحمل زحمت شده و سعی و کوشش کرده‌اند، تقدیر و تشکر می‌کنم و از خداوند متعال، افزایش توفیقانشان را در راه خدمت به جامعه اسلامی، خواستارم.

\*\*\*

در مقدمه این ترجمه (ص ۱۳ - ۱۴) آمده است:

«۷- از آنجا که اصل کتاب دارای غلط‌های جایی بوده است، بعید نیست که بعضی از آنها ناخواسته به کتاب حاضر منتقل شده باشد. لذا قبلاً از همه خوانندگان گرامی پوزش می‌طلبم و امیدواریم پژوهشگران و دانایان تاریخ، با

راهنمایی‌های خود ما را یاری فرمایند.»  
از اینرو بر آن شدم که اشتباهاتی را که در ترجمه با اصل کتاب، اتفاق افتاده تا آنجا که من با یک مطالعه و سیر اجمالی بر آنها واقف شده‌ام، متذکر شوم.

قبلاً به روان پاک مرحوم شیخ آقا بزرگ و میرزای شیرازی درود می‌فرستم و مجدداً برای مترجم - یا مترجمین - محترم این کتاب، آرزوی توفیق بیشتر می‌کنم.

ضمناً یادآوری می‌کنم که چاپ اول و دوم این ترجمه، مورد بررسی واقع شده - البته چاپ دوم عین اول است و هیچگونه تغییری در آن داده نشده است - و نیز اصل و متنی که مورد استفاده بوده در سال ۱۴۰۳ هـ ق، توسط انتشارات مینا منتشر شده که الفسب چاپ عراقی «هدیه الرازی» است و طبعاً آدرس صفحاتی که در این نشار مشاهده می‌فرمائید طبق چاپ اول و دوم ترجمه و چاپ بادشده اصل کتاب است.

۱- در ص ۱۲ پیشگفتار مترجم آمده است:  
«مرحوم شیخ آقا بزرگ پیرامون شخصیت و زندگی و شاگردان میرزای شیرازی، علاوه بر قلمفرسایی در کتابی موسوم به «طبقات اعلام الشیعه» به جهت علاقه و محبتی که به آن رادمرد داشت، به نگارش کتابی جداگانه نیز در ترجمان او همت گماشت و آن را «هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی» نام نهاد.»

این سخن، دالّ بر این است که کتاب «طبقات اعلام الشیعه» قبل از «هدیه الرازی» نوشته شده، ولی این مطلب صحیح نیست و شیخ آقا بزرگ چندین سال قبل از تألیف «اعلام الشیعه» به نوشتن «هدیه الرازی» دست یازیده و اصلاً آنچه در «اعلام الشیعه» در شرح زندگی میرزا آورده، خلاصه‌ای است از آنچه در «هدیه الرازی» منظور است.

او خود، در این باره در اعلام الشیعه قرن چهاردهم یعنی «نقباء البشر» (ج ۱/ ۴۳۶ - ۴۳۷ باورقی) چنین می‌گوید:

«و كُنْتُ أَلْفَتْ قَبْلَ عَقْرَابِ الشَّيْخِ كِتَاباً فَشَقَلْتُ فِي تَرْجُمَتِهِ، سَعَيْتُهُ «هدیه الرازی الی المجدد الشیرازی» وَفَدَّ أَكْثَرَ مِنَ النَّفْلِ عَنِّي فِي هَذَا الْكِتَابِ عِنْدَ التَّرْصُفِ لِذِكْرِ تَلَامِيذِهِ... فَمَا كُنَّا إِلَّا التَّسْرُكُ بِذِكْرِ إِنْسِيهِ فَتَحَسَّنَ تَرْجُمَتُهُ مِنْ كِتَابِنَا الْمَذْكُورِ وَتَحِيلِنَ التَّفْصِيلَ إِلَيْهِ.»

همچنین در اعلام الشیعه، بخش نقباء البشر در شرح احوال بسیاری از علما یادآوری می‌کند که ایسان را در «هدیه الرازی» هم، یاد کرده است، بعنوان نمونه:

۱ - نقباء البشر ۱/۸۸؛ در شرح زندگی آیه‌اللقن سید احمد کر بلائی ره: وَذَكَرْتَهُ فِي هَدِيَةِ الرَّازِي.

۲ - نقباء البشر ۳/۱۰۲۸ در شرح زندگی شیخ عبدالحسین نَشْرِي: تَرْجَمْتُهُ فِي هَدِيَةِ الرَّازِي.

۳ - نقباء البشر ۲/۵۳۵ در شرح زندگی شیخ میرزاحسین شیرازی: ذَكَرْتُ الْمُرْتَجِمَ لَهُ فِي هَدِيَةِ الرَّازِي.

۴ - نقباء البشر ۲/۵۳۴ در شرح زندگی سید حسین رهوی قمی: كَمَا ذَكَرْتَهُ فِي هَدِيَةِ الرَّازِي.

۵ - نقباء البشر ۲/۵۳۹ در شرح زندگی سید حسین کاشانی: وَذَكَرْتُ الْمُرْتَجِمَ لَهُ فِي هَدِيَةِ الرَّازِي.

۶ - نقباء البشر ۲/۵۴۰ در شرح زندگی شیخ محمد حسین اصفهانی: وَفَدَّ ذَكَرْتُ الْمُرْتَجِمَ لَهُ فِي هَدِيَةِ الرَّازِي.

۷ - نقباء البشر ۲/۵۴۳ در شرح زندگی سید حسین همدانی: كَمَا ذَكَرْتَهُ فِي هَدِيَةِ الرَّازِي.

۸ - نقباء البشر ۲/۵۷۰ در شرح زندگی سید میرزا محمد حسین علوی: وَفَدَّ ذَكَرْتَهُ فِي هَدِيَةِ الرَّازِي.

۹ - نقباء البشر ۲/۶۲۱ در شرح زندگی شیخ میرزا محمد حسین کرمانی: ذَكَرْتَهُ فِي هَدِيَةِ الرَّازِي.

۱۰ - نقباء البشر ۲/۶۳۸ در شرح زندگی شیخ محمدحسین فاشی: وَذَكَرْتَهُ فِي هَدِيَةِ الرَّازِي.

۱۱ و ۱۲ - نقباء البشر ۲/۷۱۱ در شرح زندگی شیخ داود برغانی و سید داود خراسانی: ذَكَرْتَهُ فِي هَدِيَةِ الرَّازِي، كَذَا ذَكَرْتَهُ فِي هَدِيَةِ الرَّازِي.

با نوشته به آنچه یاد شد، معلوم می‌گردد که «هدیه‌ی رازی» چندین سال، قبل از «اعلام الشیعة» تألیف شده است.

۲ - عکسی که روی جلد این ترجمه به عنوان اینکه تمثال میرزای شیرازی است چاپ شده، بنا به گفته «ریحانة الادب» (ج ۱۶۶/۶ - و ج ۴۲۱/۳ - چاپ ۸ جلدی) تصویر آیت‌الله سید اسماعیل صدر - جت امام موسی صدر - شاگرد میرزای شیرازی است نه خود میرزا.<sup>۱</sup>

۳ - در ص ۱۶ - ۱۷ ترجمه پاورقی ۶، در ترجمه یک حدیث در اشتباه رخ داده است. حدیث در بحار الانوار (ج ۵/۲ - ۶ - چاپ جدید) و بدینصورت است:

يُنْفَالُ لِلْعَابِدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَوْمَ الرَّجُلِ كُنْتُ هَتَكَ ذَاتَ قَلْبِكَ وَكُنَيْتَ النَّاسَ مَوْتِكَ، فَادْخُلِ الْجَنَّةَ... وَيُنْفَالُ لِقَلْبِهِ: ... يَفْتَحُ عَنِّي تَفْتِيحَ لِكُلِّ مَنْ أَخَذَ عَنِّي أَوْ تَقَاتَمَ بِنِكَ، فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَعَةً فِشَامًا وَقِيَامًا عَنِّي فَالْغَنَاءُ وَالْمُ الْدِينِ أَخَذُوا عَنِّي غُلُوفَهُ وَأَخَذُوا عَنِّي لَعْنَهُ وَعَمَّنْ أَخَذَ

عَمَّنْ أَخَذَ عَنِّي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ...  
در ترجمه فراز اول حدیث، آمده است:

«به عابد گفته می‌شود تو مرد نیکی بودی (ولی) کوشش تو صرفاً برای (نجات) خودت بوده است و یارزندگیت بدوش مردم.» در اینجا ترجمه

«كُنَيْتَ النَّاسَ مَوْتِكَ» به «یارزندگیت به دوش مردم [بود]» صحیح نیست، بلکه معنی این جمله درست، به عکس است «بعنی خودت متحمل قوتوات بودی و یارزندگیت به دوش مردم بود» زیرا روشن است که «مَتَّ» كُنَيْتَ، فاعل و خطاب به عابد است، همچنین که در کتب لغت آمده است: «كُنَيْتُ فُلَانًا مَوْتَهُ: جَعَلَهَا كُنَايَةً لَهُ، أَي قَامَ بِهَا دَوْنَهُ قَاغِتَاءً عَنِ الْقِيَامِ بِهَا.»<sup>۲</sup>

در ترجمه «قَفْتُ حَتَّى...» آمده است: «توقف کن تا شفاعت کنی تمام کسانی را که از تو کسب علم نموده‌اند، پس از آن می‌ایستد و گروه گروه از مردم با او داخل بهشت می‌شوند. تا جایی که معاشرین با او که به طرق گوناگون تا بر پا شدن قیامت از او علم آموخته‌اند، (همگی به شفاعت او وارد بهشت می‌شوند)...

همانطوری که علامه مجلسی «ره» بیان فرموده، فِشَامَ به معنای گروهی از مردم است. و روایت می‌گوید: فَيَدْخُلُ مَعَهُ فِشَامًا وَقِيَامًا حَتَّى قَالَ عَشْرًا، وَهِيَ الْدِينِ... یعنی امام علیه السلام ده مرتبه کلمه فِشَامًا را تکرار فرمود. و آنها

کسانیند که... ولی مترجم محترم کلمه «عَشْرًا» را از «عَشْرًا» جدا نکرده و این دو کلمه را «عَشْرًا» بر وزن عَلَمًا و هَمَّ - اعراب گذاری و به تبع آن، در ترجمه فرموده است: «تا جایی که معاشرین با او...» و نوشته فرموده که در این صورت چند اشکال پدید می‌آید:

۱ - اگر همین حدیث، «عَشْرًا» است چرا ترجمه شده: «معاشرین با او...»؟

۲ - مرجع ضمیر «هَمَّ» چیست، در این روایت که مکرراً به «فیه» ضمیر مفرد مذکر برگشته؛ مثلاً: فَيَفْتَحُ، فَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَعَةً، الَّذِينَ أَخَذُوا عَنِّي غُلُوفَهُ، وَأَخَذُوا عَمَّنْ أَخَذَ عَنِّي.

۳ - آیا صحیح است بگوئیم: «معاشرین با او که به طرق گوناگون، تا بر پا شدن قیامت از او علم آموخته‌اند؟ آیا به کسی که مثلاً، هزار سال پس از شیخ طوسی «ره» از علوم و آثار او، استفاده می‌کند، اصطلاحاً معاشر شیخ طوسی می‌گویند؟

۴ - بنا بر این فرض، جمله کامل نیست، یعنی احتیاج به تقدیر دارد، چنانچه در ترجمه، جمله «همگی به شفاعت او وارد بهشت می‌شوند.» تقدیر گرفته شده است.

جالب است بدانیم که این روایت در کتاب عوالی اللئالی (ج ۱/۱۹) این ای جمله احسانی

هم آمده، و وی تنها تا جمله «حتی قال عَشْرًا» را نقل کرده و دنباله حدیث را نیاورده است.

۴ - در ص ۳۸ ترجمه آمده است: [هنگامی که پس از درگذشت شیخ انصاری به میرزا پیشنهاد شد مرجعیت شیعه را بپذیرد] وی در پاسخ گفت: «من آمادگی این مهم را در خود نمی‌بینم و توانایی برآوردن احتیاجات مردم را هم ندارم، جناب آقا شیخ حسن [نجم آبادی] فقیه زمانه است و شایسته‌تر از من بدینکار.»

عبارت متن عربی در اینجا چنین است: «انی لم اشتمع لذلك ولا اشخیر ما یحتاج الیه الناس و جناب الشیخ آقا حسن فقیه العصر هو اولی بذلك منی.» (ص ۴۱).

مقصود میرزا از جمله «لا اشخیر ما یحتاج الیه الناس» این نیست که «من توانایی برآوردن احتیاجات مردم را ندارم.» بلکه ظاهراً مراد این است که: مسائلی فقهی مورد نیاز مردم را استنباط نکرده و مستحضر نیستم. و همانطور که می‌دانیم استنباط مسائل غیر از دارا بودن نیروی اجتهاد است و مجتهد پس از رسیدن به رتبه اجتهاد، و یافتن این قوه و مرتبه در خود تازه باید مدتها وقت صرف استنباط و استخراج مسائل کند.

دلیل مدعی ما سخن جناب شیخ حسن «ره» در پاسخ میرزا، است که می‌گوید: «وَسُئِلَهُ اشْتِخَارَ الْمَسَائِلِ أَنْهَلُ مَا يَكُونُ غَلْبًا؛ وَ لِي فِي زَعَامَةِ دِينِي اسْتِثْنَاءٌ، سِيَّاسَةً، أَسْتَمْدَارًا، أَشْنَاءُ بِهِ أَمْرٌ وَ كَامِلُ النَّفْسِ مِي بَاشِدٌ وَ فِي هَمِّ دَرِ هِيْجَسِ جَزْ شَمَا جَمْعِ نَسْت.» (میرزای شیرازی/ ۳۹).

و نیز گفته خود میرزا که فرموده: «هیچگاه به فکرم خطور نکرده بود که روزی مرجع دینی مردم بنده و به این امر عظیم دچار شوم.» (میرزای شیرازی/ ۳۹)

آقای بزرگ پس از ذکر این ماجرا می‌نویسد: مردم در امر تقلید به میرزا رجوع کردند و ایشان هم بر کتاب «نجات العباد» و «تنبیه» و «رسالة مسئله»، و هر چه که شیخ بر آن تعلیف نوشته بود، حاشیه نگاشته و فتاوی خود را بیان داشتند (هدیه/ ۴۱ - ۴۲). این گفته نیز دلیلی دیگر است بر ادعای ما.

۵ - ص ۳۸ در ترجمه این سخن آقا حسن نجم آبادی: «وَسُئِلَهُ اشْتِخَارَ الْمَسَائِلِ أَنْهَلُ مَا يَكُونُ غَلْبًا» آمده است: «برآوردن احتیاج مردم ساده است.»

این مورد هم مثل بالا، اشتباه است و علاوه ترجمه «أَنْهَلُ مَا يَكُونُ غَلْبًا» بدینصورت: «برآوردن احتیاجات مردم ساده است» خالی از دقت است و صحیح آن چنین است: «استنباط و

استخراج مسائل شرعی، آسان‌ترین کار برای شماست.»

۶- در ص ۴۲ آمده است: «جواب استخاره بر ماندن در سامرا بود. پس از آن میرزا تصمیم قطعی بر اقامت گرفت و لوازم و کتابهایش را از نجف خواست. شاگردان همراهِ میرزا نیز اقامت اختیار کردند و دیگر شاگردان نیز از سایر نقاط بار سفر به سامرا بستند بطوریکه سامرا خانه علم و مرکز اسلام و مرجع مردم در امور دین و دنیا گردید.»

عبارت متن عربی در اینجا چنین است: «قَلَّمَ تُسَاعِيدَ الْإِسْتِخَارَةَ الْأَعْلَى الْإِقَامَةَ بِسَامِرَا عَلَى كَيْفِ حَالٍ، فَعَزَمَ عَلَى الْبَقَاءِ وَظَلَّتْ أَشْبَاهَهُ وَكُنْتَهُ مِنْ التَّجَنُّفِ وَكَذَلِكَ مِنْ تَفَقُّهِ مِنَ الْأَصْحَابِ وَآخِذٌ فِي لَوَازِمِ الْبَقَاءِ وَعَلَّمَ النَّاسَ عَزْمَهُ عَلَى الْبَقَاءِ، فَانْتَقَلَتْ الضُّفُوفُ مِنْ تِلْمِذِيهِ إِلَيْهِ حَتَّى صَارَتْ سَامِرَا مِثْلَ الْجَزِيرَةِ الْخَضْرَاءِ فِي الرُّوحَانِيَةِ وَأَعْلَى اللَّهِ فِيهَا ذِكْرُهُ وَأَعَزَّ نَظْرُهُ وَصَارَتْ سَامِرَا دَارَ الْعِلْمِ وَتَيَسَّرَ الْإِسْلَامُ وَالْمَرْجِعُ الْعَامُّ لِأَهْلِ السُّنَنِ وَالْدُّنْيَا.» (ص ۴۴)

همانطور که مشاهده می‌شود، در ترجمه، جمله «حسب صارت سامرا مثل الجزيرة الخضراء في الروحانية» بدون علامت حذف، و هیچگونه اشاره‌ای، اسقاط شده است. که البته شایسته بود مترجم محترم علاوه بر ترجمه این جمله توضیح مختصری هم پیرامون جزیره خضراء در پاوروی ذکر می‌کرد.

۷- در ص ۴۰ ترجمه (مطابق با ص ۲۰ متن) آمده است: «... تا اینکه بالاخره [میرزا] در شعبان سال ۱۲۹۰ به سامرا مسافرت می‌کند.»

این تاریخ اشتباه است و همانطور که در نقیباء البشر (ج ۱/۴۳۹) و نیز در خود «هدیه‌الرازی» (ص ۴۳) و ترجمه (ص ۴۱) و روحانة الادب (ج ۶) و مشاهیر دانشمندان (ج ۴/۲۷۰) و زندگانی شیخ انصاری (ص ۲۳۵) و اعیان‌الشیعه (ج ۲۳/۱۳۰) و مقدمه تأسیس الشيعة (ص ۳) و الکنی والألقاب (ج ۳/۲۲۲)، آمده است میرزا در شعبان سال ۱۲۹۱ به سامرا وارد شده است.

۸- در ص ۱۰۸ ترجمه (مطابق با ص ۶۶ متن عربی) در باره آیه‌الحق سید احمد کر بلائی ره، استاد استاد علامه طباطبائی (ره) آمده است: «در نجف در بحث علامه میرزا حبیب‌الله و حاج میرزا حسن تهرانی حضور یافت و پس از آن از یاران خاص علامه ملا حسینعلی همدانی گشت.»

در این عبارت، میرزا حسن تهرانی و نیز ملا حسینعلی همدانی، اشتباه است و صحیح آن حاج میرزا حسن [خلیلی] تهرانی و ملا حسینعلی همدانی [استاد بزرگ اخلاق و عرفان] می‌باشد،

همچنانکه در نقیباء البشر (ج ۱/۸۷) آمده است.

۹- در ص ۱۵۶ ترجمه (مطابق ص ۱۱۸ متن عربی) آمده است: «او [مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس «ره»] اکنون در سلطان آباد (اراک) اقامت گزیده است.»

و در ص ۱۸۲ ترجمه (مطابق ص ۱۴۵ متن عربی) در باره مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة آمده است: «ریاست عاقه امروزه (در نجف و اکثر شهرهای ایران، بلکه تمامی آن بدو منتهی شده است.»

همانطور که شیخ آقابزرگ (در نقیباء البشر ج ۳/۱۱۵۹) فرموده است: صاحب عروة در سال ۱۳۳۷ هـ ق در گذشته، و نیز حاج شیخ عبدالکریم حائری از سال ۱۳۳۳ هـ ق تا سال ۱۳۴۰ هـ ق، مقیم اراک و اداره کننده حوزه آنجا بوده است. (نقیباء البشر ج ۳/۱۱۵۸-۱۱۵۹).

بنابراین از آنچه در «هدیه‌الرازی» در شرح زندگی مرحوم حائری و یزدی، آمده استفاده می‌شود که «هدیه‌الرازی» قبل از (یا در سال) ۱۳۳۷ هـ ق، تألیف شده، ولی از سوی دیگر، در سه مورد از «هدیه‌الرازی» مطلبی ذکر شده، که با این موضوع تنافی دارد.

۱- در ص ۱۷۷ ترجمه (مطابق ص ۱۳۹ متن عربی) آمده است: «حاج سید اسدالله در جمادی الثانی ۱۳۴۰ هـ ق عنایت را زیارت کرد. بار دیگر نیز در جمادی الثانی سال ۱۳۴۹ هـ ق به زیارت رفت.»

۲- در ص ۱۹۲-۱۹۳ ترجمه (مطابق ص ۱۵۶ متن عربی)، می‌نویسد: «سید عباس سپس به کرمانشاه رفت و در سال ۱۳۴۹ هـ ق در همان شهر وفات یافت.»

۳- در ص ۲۱۲ ترجمه (مطابق ص ۱۷۷ متن عربی) آمده: «از دیگر آثار او تعمیر مسجد جامع قدیم در شیراز است که در سال ۱۳۶۰ هـ ق آرا شروع کرد ولی علیرغم صرف هزاران تومان، موفق به اتمام آن نشد و فرزندش تقی‌ای آن را تا امروز که سال ۱۳۷۴ هـ ق است، تکمیل کرد.»

چنانکه یاد شد، عبارتی که آقابزرگ در باره مرحوم حائری -منوفای ۱۳۵۵ هـ ق، و صاحب عروة آورده، می‌فهماند که کتاب را قبل از سال ۱۳۳۸ نوشته، ولی این سه موردی که اخیراً آوردیم، برخلاف آن است، مخصوصاً صورت سوم که می‌نویسد: «تا امروز که سال ۱۳۷۴ است...».

ظاهراً در توضیح و حل این اشکال، باید گفت:

شیخ آقا بزرگ، چنانکه در الذریعه (ج ۲۵/۲۰۷) فرموده و از خود هدیه‌الرازی (ص

۱۱۸ و ۱۴۵) نیز استفاده می‌شود، هدیه‌الرازی را، اوائل دوران نشرش به سامرا یعنی قبل از سال ۱۳۴۰ هـ ق، به رشته تألیف کشیده است. ولی از آنجا که این کتاب در سال ۱۳۸۸ هـ ق در عراق چاپ شده و تا آن زمان مخطوط بوده است، مؤلف بزرگوار، در طول این مدت، هر چه اطلاعاتشان راجع به مطالب و تراجمی که در «هدیه» آورده، اضافه می‌شده، بدان کتاب می‌افزوده است و از این روست که می‌بینیم در شرح زندگی مرحوم حائری، قبل از سال ۱۳۴۰ هـ ق را می‌فرماید: اکنون... و در جای دیگر، سال ۱۳۷۴ هـ ق را، می‌گوید: امروز....

و نیز در چند جا از جمله (ص ۱۴۳ و ۱۷۹ ترجمه) که دیده می‌شود، به «نقیباء البشر» اشاره می‌کند و می‌گوید، فلانی را در نقیباء البشر یاد کرده‌ایم، از همین باب است.

در هر صورت، شایسته بود مترجم محترم به این نکته توجه می‌فرمودند و (در پاوروی) در این باره، توضیح می‌دادند.

۱۰- در ص ۱۸۰ ترجمه (مطابق ص ۱۴۳ متن) در ضمن شرح حال مولی فتحعلی سلطان آبادی، استاد محدث بزرگوار، حاج میرزا حسین نووی چند اشتباه رخ داده که لازم است عبارت متن و ترجمه هر دو را بیاوریم، تا کاملاً موضوع روشن شود:

«علامه نووی شرح حال او را، در دارالسلام، آورده و در توصیف او چنین گفته است: ... کسی که اندیشه‌های نوین و گنج‌های پنهان را از زوایای کتاب خدا بیرون می‌کشد و نکته‌های لطیف و منحصر به فرد و قواعد مکنون الهی را از جاه معقل و قصر مشید استنباط می‌کند... شناخته شده‌ترین شخصی که او را در طریق ائمه دیده‌ایم، و استوارترین فردی که به عروة و نفسی (گمشده) همگان در هنگامه رستخیز جنگ زده است...» (ص ۱۸۰) عبارت متن عربی (ص ۱۴۳) «... مُسْتَخْرِجُ الْفَوَائِدِ الْقَرِيفَةِ وَالْكَوْنِ الْمَخْفِيَةِ مِنْ خِيَابِ زَوَائِبِ الْكِتَابِ الْمُجِيدِ. وَمُسْتَشَبُّ الْفَرَائِدِ اللَّطِيفَةِ وَالْفَوَائِدِ الْعَكْثُورَةِ الْإِلَهِيَّةِ مِنَ الْبُيُوتِ الْمُعَقَّلَةِ وَالْقُصُورِ الْمُشِيدِ... أَعْرَفَ مِنْ رَأْيَانِهِ بِتَقْرِيفَةِ أُمَّةِ الْهَدْيِ وَأَشَدَّهُمْ لُمْتًا بِالْمَرْوَةِ الْوُثْقَى مِنَ التَّعَمُّدِ الَّتِي تُسْتَلَقُ عَنْهَا يَوْمَ بُنَادَى الْمُنَادَى...».

همانطور که اشاره شده، این مطالب از حاجی نووی است و او، این کلام را در کتاب «دارالسلام فیما يتعلق بالزوايا والمنام» (ج ۲/۲۶۶) آورده، و در این رابطه با تفصیل و توضیح بیشتر، و تعبیراتی دیگر، در (ص ۳۱۶-۳۱۹ آن کتاب) سخن گفته است. در عبارت مورد بحث، چند آیه قرآن مورد

استفاده و اشاره واقع شده، که باید با توجه به آنها، این جملات را ترجمه کرد:

الف : این جمله «قواعد مکنون الهی را از جاه معقل و قصر مشید استنباط می کند.» = (و مستنبط الفرائد اللطیفه والقواعد المکنونة الالهیه من البئر المعقله والقصر المشید.) اشاره است به قسمتی از آیه ۴۵ سوره مبارکه حج: ... فهی خاویة علی غروشها و بر مَعْقَلَه وَقَصْرٍ مَشید. « در بسیاری از روایات «بئر معقله و قصر مشید» به ائمه علیهم السلام تأویل شده است، از جمله، در بحارالانوار (ج ۱۰۱/۲۴ - ۱۰۲/۱) جاب جدید) و در تفسیر «نورالتقلین» (ج ۳/۵۰۶، احادیث شماره ۱۶۵ - ۱۶۷ و ۱۶۹) آمده است که: «البئر المَعْقَلَة، الامام الضایف والقَصْرُ المشید، الامام الطاطق».

نیز در بحارالانوار (۱۰۲/۲۴) حدیث ۹) و در همان تفسیر (ج ۳/۵۰۷) حدیث شماره ۱۶۸ آمده است که:

«مراد از بئر معقله حضرت زهراء و فرزندانش و مقصود از «قصر مشید» امیرالمؤمنین علیه السلام است، و همچنین در بحارالانوار (ج ۱۰۱/۲۴) حدیث ۵) و در تفسیر یاد شده، (ج ۳، حدیث شماره ۱۷۰) «بئر معقله» به امام غائب «عج» و «قصر مشید» به امیرالمؤمنین و سایر امامان علیهم السلام تأویل شده است. و شاعری در این رابطه گفته است:

«بئر معقله و قصر مشرف  
سئل لاک محمّد مُسْتَظرف  
فالتاطق القصر المشید منهم  
والضایف البشرانی لا تُنزَف»<sup>۱۰</sup>

ولی بهر حال، روی هم رفته، بئر معقله و قصر مشید، مأول است به حضرات معصومین علیهم السلام، و مرحوم نوری، اشاره به همین تأویل آیه دارد، بنابراین ترجمه آن جمله بدینصورت: «... از جاه معقل و قصر مشید استنباط می کند.» دقیق نیست زیرا در ترجمه فارسی با باید گفت: «از البئر المعقله والقصر المشید» استنباط می کند. (که البته اینگونه ترجمه، اشتباه نیست ولی کافی هم نیست و در حقیقت، ترجمه، نیست.) یا باید در ترجمه آن، در برابر این دو واژه، معنای مراد نویسندگان را آورد مثلاً بدینصورت: ... وقواعد مکنون الهی را، از آثار ائمه علیهم السلام، استنباط می کند.

علاوه، واژه «مشید» بر وزن «مریض» است و بدون تشدید، ولی نمی دانم چرا در ترجمه با تشدید (یعنی بر وزن مُرْتَب) ضبط شده است.

ب : جمله «أَشَدُّهُمْ تَمَسُّكًا بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»

اشاره است به آیه شریفه ۲۵۶ سوره بقره «فَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَكْفُرْ بِالْقَاغُوتِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى».

در اینجا نیز در روایات فراوانی ائمه معصومین علیهم السلام - و محبت و ولایت آنها - عروة الوثقی خوانده شده اند، از جمله در: بحارالانوار (ج ۸۳/۲۴ - ۸۵) و تفسیر نورالتقلین (ج ۱/۲۶۳، احادیث شماره ۱۰۵۴، ۱۰۵۶ - ۱۰۶۳).

ج : جمله «مِن التعم النسی نُسَلُّ عنها یَوْمَ یُنَادِی المنادی» اشاره است به آیه شریفه ۷ سوره نکاتر: «وَأَنْتُمْ لَنْ یَقْمَدُوا عَنْ التَّعْمِ».

همچنین در اینجا، نعیم به ائمه هدی علیهم السلام، تأویل شده است از جمله: در تفسیر المیزان (ج ۳۵۳/۲۰ به بعد) و در «نورالتقلین» (ج ۵/۶۶۲) احادیث شماره ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۱۹) و نیز در (ص ۶۶۵/ حدیث شماره ۲۸). و نیز در بحارالانوار (ج ۳/۵۲ - ۵۹) روایاتی در این باره آمده است.

د : «یوم یُنَادِی المنادی» اشاره است به آیه ۴۲ سوره ق: «وَأَسْمَعُ یَوْمَ یُنَادِی المُنَادِ مِنْ مَکَانٍ قَرِیبٍ» و مراد از آن، روز قیامت است.

با توجه به آنچه ذکر شد، هر یک می شود که ترجمه جمله «مِن التعم النسی نُسَلُّ عنها یَوْمَ یُنَادِی المنادی» بدینصورت: «گمشده همگان در روز قیامت» چندان از واقعیت بدور است. بلکه می در اینجا به اصطلاح بیابانه است و توضیح دهنده و تبیین کننده «عروة الوثقی» است، یعنی: عروة الوثقی همان نعمت هائی است که روز جزاء در باره آنها از ما سئوال می شود و ما در برابر آنها مسئولیم. و فعل «نُسَلُّ» مجهول است، یعنی، از سوی خداوند متعال، ما مورد پرسش واقع می شویم، نه معلوم چنانکه از این تعبیر «گمشده همگان در روز رستخیز» ظاهر می شود.

و بعد می دانم که مترجم محترم، واژه «عروة الوثقی» را، بدینصورت: «گمشده همگان...» ترجمه کرده باشد، زیرا عروة به معنای دستاویز، مُسْتَمْسِک، و چیزی است که به آن اطمینان دارند<sup>۱۱</sup> می باشد و «وُثْقَى» الفعل التفضیل و مؤنث اوثق است به معنای محکمتر و استوارتر. و بنابراین ترجمه آن، به صورت تعبیر فوق، اشتباه است و حتی معنی کتابی و استعاره ای آنهم نیست.

همانطور که محدث نوری فرموده، مرحوم ملا فتحعلی سلطان آبادی، مردی متبحر و محقق و در تفسیر بیدی ظولنی داشته است و آیه الله العظمی حکیم «ره» در تعلقه اش بر کتابه الاصول، یعنی «حقائق الاصول» (ج ۱/۹۵ - ۹۶) داستانی خواندنی در این رابطه نقل کرده است. که برای رعایت اختصار از ذکر آن خودداری می کنیم.

۱۱ - در ص ۱۷۲ آمده است: «حاج مولی علی محمد نجف آبادی، سالیان متعددی را در نجف به بهره گیری از محضر میرزا پرداخت، سپس به نجف مراجعت کرد.»

که صحیح آن، چنین است: سالیان متعددی را در سامرا به بهره گیری از محضر میرزا... چنانکه (در ص ۱۳۵ متن) آمده است.

۱۲ - در ص ۴۷ باورقی شماره ۲ آمده است: کتاب «أمل الآیل» را شیخ حر عاملی در دو جلد تألیف کرده و در آن به شرح زندگی علماء (تا زمان صفویه) پرداخته است. علامه سید حسن صدر، در دنباله این کتاب از علمای زمان صفویه تا عصر خودش یاد کرده و به توصیف مختصری از زندگی آنها می پردازد. او نوشته خودش را «منتقم امل الآیل» نام می نهد.

بسیاری از دانشوران برای «أمل الآیل» تکمله و تنمیه نوشته اند. (الذریعة ج ۲/۳۵۰) و آقابزرگ تهرانی «ره» در کتاب ارزشمند الذریعة (ج ۳/۳۳۷) بعد از بسیاری از آنها را نام می برد، ولی کتابی که علامه سید حسن صدر در تکمیل و تنمیه این کتاب نوشته همچنانکه علامه تهرانی در (الذریعة ج ۴/۱۱۱) و ج ۲/۳۵۰ و نقباء البشر (ج ۱/۴۴۷ و ۴۴۸) و هدیة السرازی (ص ۲۵) فرموده است، نامش «تکمله امل الآیل» است نه «منتقم امل الآیل».

۱۳ - چند سطر از اواخر ص ۴۱ و اوائل ص ۴۲ «هدیه» - که طبق روش مترجم مربوط به ص ۳۹ و ۸۹ ترجمه می باشد اصلاً، ترجمه نشده و حذف گردیده است. از این جمله: «وَعَلَى الحواشی علی «نجات العباد» تا جمله «وَلَمْ یَبْرَزْ کُلٌّ ذَلِکَ الی آخره والی الآن».

۱۴ - در ص ۲۱۷ آمده است: «مرحوم شیخ آقابزرگ در فصل مربوط به تألیفات میرزا، به اندکی بسنده کرده است. ما به جهت اطلاع بیشتر خوانندگان، مطالبی را که مرحوم سید محسن عاملی در «اعیان الشیعة» ذیل عنوان تألیفات میرزای شیرازی نگاشته می آوریم. تألیفات وی عبارتند از: ۱- کتابی در طهارت (تا محبت وضو) ۲- رساله ای در وضاع ۳- کتابی در فقه از اول مکاسب تا آخر معاملات.

۴- رساله ای در اجتماع امر و نهی ۵- خلاصه ای از افادات استاد بزرگوار شیخ انصاری (از اول اصول تا آخر آن)....» درست است که آقابزرگ در بخش تألیفات از این کتابها بادی نکرده است ولی در (ص ۴۲ هدیة الرزازی)، این پنج کتاب را

## بقیه در صفحه ۶۶

## بقیه ازنگرشی به کتاب

نام برده و اینها را از تصنیفات میرزا می‌شمرد. و در خصوص این ۵ اثر، لازم نبود به ذیل «اعیان الشیعة» تمسک شود. و احتمالاً اعیان الشیعة، این قسمت را از «هدیه الرازی» استفاده و اخذ کرده است.

آنچه ذکر شد اشتباهاتی است که من بر آنها واقف شده‌ام و موارد جزئی دیگری هم وجود دارد از جمله: ص ۱۸۲ در شرح زندگی صاحب عروة، و ص ۱۸۵ درباره حاج میرزا محمد ارباب قمی، و ص ۱۵ باورقی شماره ۲. و ممکن است مواضع دیگری نیز وجود داشته باشد.

\*\*\*

مجدداً از دست اندرکاران ترجمه و چاپ و نشر این کتاب، تشکر می‌کنم و امیدوارم در چاپهای آینده، موارد یاد شده اصلاح شود. رضا مختاری

۱ - میرزای شیرازی ۲۲/ ۲۳ - چاپ و نشر وزارت ارشاد اسلامی - با اختصار و تلخیص.

۲ - نسیم چشمی، انتشارات مبعثات، در این کتاب نوشته: «جمع المفقود مطبوقه لناشر»، با اینکه از روی همان چاپ عراق، نقل کرده است!؟

۳ - علت ملقب شدن گروهی از رهبران این مکتب و از جمله میرزا به «مجتهد» حبشی است که از طرق عامه نقل شده و از دیدگاه مذهب امامیه بی اعتبار است. ولی بهرحال، ریشه‌یابی و بررسی مدارک این مسئله، نیازمند مقاله‌ای جداگانه است که بحمدالله، توسط این بنده تهیه شده، و بخواست خدا، در یکی از مجلات معروف علمی به چاپ خواهد رسید.

۴ - شایان ذکر است که نگارنده این مطبوعه، در این باره قضایای ندارد، و تنها گفته ریحانة الادب را، به عنوان یک نظر و تذکر آورده است. ۵ - المنتجد/ ۶۹۲ چاپ ۲۳.

۶ - بحار الانوار ج ۶/ ۲ - چاپ جدید.

۷ - این ای جمهور احسانی «ره» در حاشیه حوالی اللالی، در توضیح این جمله می‌نویسد:  
«معناه انه يتشقق للجسامات الذين اخلوا عنه، والذين اخلوا عنهم اخلد عنه وهكذا الى عشر مرات». در ک: حوالی ج ۱۹/ ۱ ولی ظاهراً، این سخن، نادرست است، چنانکه بر اهتش پوشیده نیست.

۸ - داستان «جزیره خضراء» در کتابهای متعددی از جمله بحار الانوار (ج ۱۵۹/ ۵۲ - ۱۷۴) آمده است. و اخیراً کتاب جستجبال برانگیزی در این رابطه منتشر شد که آثار «فضة انقلابی» از آن بغویی مشهود است.

ناگفته نماند که راقم این مطبوعه فعلاً قضایای درباره صحت و سقم این داستان ندارد و تنها مراد و منظور از ذکر این اشکال این است که برای رعایت امانت در ترجمه، باید چیزی از اصلی کتاب، ساقط نشود یا لایق اشارتی به حذف بود.

۹ - الدرر ج ۲۵/ ۲۰۷ - پانویس.

۱۰ - بحار الانوار ج ۲۱/ ۱۰۲.

۱۱ - فرهنگ معین ج ۲/ ۲۲۹۷.



دفتر تبلیغات اسلامی  
حوزه علمیه قم

بسمه تعالی

واحد یادبودهای دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، در نظر دارد از مجموعه اسناد انقلاب، خاطراتی از شهداء، امدادهای الهی، حماسه‌هایی از جبهه و جنگ، فداکاریهای رزمندگان اسلام، نوارهای سخنرانی و فیلمهای باقی مانده از شهداء، و وصیت‌نامه‌ها و آنچه که در این زمینه‌ها در دسترس است، مجموعه‌های مستند و مفید جمع‌آوری و منتشر سازد.

بدینوسیله از امت شهیدپرور درخواست دارد که در موارد یادشده هر نوع سند، عکس، نوشته، اسلاید، نوار، و... در اختیار دارنده برای تداوم انقلاب و جاودانگی برای نسلهای آینده در اختیار این واحد قرار داده و خود را در این خدمت فرهنگی و اجر عظیم شریک گردانند.

آدرس - قم دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه - واحد یادبودها

### فرم نقاضای اشتراک



خواهشمند است وجه اشتراک مجله پاسدار اسلام را به حساب جاری ۶۰۰ بانک ملت شعبه جدهان شهیدان قم واریز و قبضه بانکی را میرزای قمی و مشخصات کامل خود به دفتر مجله پاسدار اسلام قم مسطقی بفرستید. ۳۲۰ ارسال فرمائید.

تذکر:

- ۱ - بنهای اشتراک یک سال ۶۰۰ ریال، دو سال ۱۲۰۰ ریال است.
- ۲ - وجه اشتراک را منی بفرستید از طریق تمام بانک‌های کشور به حساب جاری فوق واریز نمایند.
- ۳ - در صورتیکه به بانک دسترسی نداشته‌اید وجه اشتراک را توسط اداره پست بفرستید.
- ۴ - احتیاج به بریدن این فرم نیست و کافی است مشخصات خود را پیش‌تر زیر در نامه‌ای جداگانه نوشته و ارسال نمایند.
- ۵ - در صورت واریز وجه به بانک حتماً قبضه بانکی ارسال شود.

اینجانب..... نام خانوادگی.....

شهرستان..... آدرس کامل.....

مانند..... حال از شماره..... به مجله پاسدار اسلام مشترک شود لذا مبلغ..... ریال توسط بانک..... به حساب جاری فوق واریز و قبضه بانکی را به پست ارسال می‌دارم.

لطفاً در موقع تمدید، شماره اشتراک را قید فرمائید